

یار محمد خان زردلانی

سردار بزرگ لك دوران مشروطه

یار محمدخان زردلانی سردار بزرگ مشروطه به حق
و به واقع از اولین قیام گران ملی و مردمی است
که در قبال ناملایمات جامعه ایران عصر مشروطیت،
عصری که خود می زیسته، احساس تعهد و تعرض
نمود.

پیش از آن قیام گرایانی چون میرزا کوچک خان
جنگلی، کلنل محمدتقی خان پسیان، رئیس علی
دلواری و ... به نحوی حاکمیت و زندگانی معیشت،
ساختار سیاسی و نظامی و مناسبات نظامی و اداری
دوران خود متعرض گردند، یار محمدخان با قیام

خویش چنان اراده نمود تا با اهداء جان خود در راه وطن، از استقلال و کیان ایران دفاع نماید.

در پیرامون بینش های عقیدتی و جهان بینی و تفکرات دینی و مذهبی سردار یار محمدخان باز گفتار این مطلب الزامی است،

در این خصوص اردشیر کشاورز نویسنده و محقق بزرگ در خصوص زندگی نامه سردار یار محمدخان در کتاب گردگرد چنین می نویسد: "یار محمدخان از دامان پاك مادری ایلپاتی از طایفه بالوندك و پدر صادق و زحمت کش و روستایی از طایفه لك زردلان با تربیتی عشیره ای و ایلی تحت تربیت و تعلیم جامعه درون خانوادگی سالمی در دهستان زردلان از توابع بخش هلیلان به دنیا آمد او با

عقیده پاک به ارکان بنیادی دین ناب محمدی اسلام
راستین الهی و اعتقاد به حقانیت را پویای شیعه،
دوستدار آل علی(ع) و اهل بیت عصمت(سلام الله
علیها) در دوران نوجوانی و جوانی راهرو و طریق
مولایش علی(ع) و در کسوت پهلوانی و علاقه مند
به ورزش باستانی و عامل به اعمال پوریای ولی ،
و این روش را در تمامی مراحل حیات مادی و معنوی
خویش چون چراغی فروزان فرا راه خود قرار داد،
و با توسل به ولای عشق به مولا علی(ع) در معارك
سخت و مهالك هولناك بدون بیم و هراس در
صحنه های کارزار و میادین شور و شرف قیام گر
و آغاز کننده تحرکاتی دلاورانه و مردمی می بود."

اردشیر کشاورز در جای دیگر این چنین می نویسد:
"یار محمدخان در نوجوانی با اعتقاد پاك مسلمانسی،
عشق به مبانی دینی و مذهبی را از زورخانه آموخت
و در جوانی در محضر و خدمت عالم روشن خیر
مجتهد اعلم آقا حضرت آیت الله حاج آقا محمد
مهدی مجتهد روحانی وارسته صاحب جاه و اعتبار
طریق حقیقت اسلام راستین گرفت و در پی فتوای
صادره از مراجع تقلید در سامرا و نجف همچون
مرحوم آیت الله خراسانی، آیت الله مازندرانی و ... که
بر حقانیت و مشروعیت مشروطیت شهر سلامت
زدند با ترك زندگانی و خان و مان به هوای جانبداری
از انقلابیون و آذربایجان به تبریز شتافت."

تولد و زادگاه:

تولد یار محمدخان بنا به تحقیق سال 1296 هجری قمری در زردلانِ هُلیلان بوده است. دکتر سلام الله جاوید در جزوه ی فداکاران فراموش شده سال تولد یار محمدخان را 1292 هـ.ق ذکر نموده است.

یار محمدخان در شهر کرمانشاه علاقه مند به ورزش باستانی گردیده و به اتفاق دوست و برادر خوانده اش حسین خان کلاه مال، همه روزه در جایگاه ورزش باستانی چال سنگفرش ها یا همان زورخانه حوری آباد حاضر گردیده و به ورزش پرداخته اند.

مهاجرت به تهران و تبریز:

یارمحمدخان زردلانی که در این کشاکش ها همراه مشروطه طلبان بوده و آوازه ای یافته بود، در اجرای دعوت انجمن ها به قیام عمومی مصمم می گردد به جهت مساعدت و یاری رسانیدن به مشروطه خواهان عازم تهران شده و پس از رسیدن به شهر مذهبی قم مطلع می شود که مجلس دوره اول با توپ قزاق روسی و ایرانی تحت امر پالکونیک لیاخوف از میان رفته و سر جنابان مشروطه دستگیر و به شهادت رسیده اند و گروهی نیز مخفی و متواری گردیده و لذا پس از ورود به تهران و تماس با آزادی خواهانی که در سفارت انگلیس متحصن هستند با راهنمایی

و توصیه آنان جهت همکاری با ستارخان عازم تبریز می گردد.

احمد کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران می نویسد:

"تنها کسانی که از شهرهای ایران به یاری تبریز آمدند یار محمدخان زردلانی و همراهان او بودند، در آن روزها که مجلس به همه شهرها تلگراف فرستاده یآوری می طلبید با يك برادر خوانده و يك دوست که نامهای هر دو حسین خان بود تفنگ و اسب خریدند و آهنگ تهران کردند که به یاری دارالشورا برسند . ولی چون به قم رسیدند در آنجا با مباران مجلس آگاه یافته و با سختی از بیراهه خود را به تبریز رساندند.:"

دکتر ملک زاده در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت
ایران می نویسد:

"از جمله کسانی که حقاً نامش باید در تاریخ
مشروطیت ایران جاویدان باقی بماند یار محمدخان
دلاوری از قوم لك کرمانشاه است، این مرد غیرتمند
و شجاع و مشروطه خواه که در انقلاب و کشمکش
میان مشروطه خواهان و مستبدین کرمانشاه فداکاریها
کرد و شجاعت بسیار از خود نشان داد."

یار محمدخان و همراهان او هنگامی که به تبریز
رسیدند شهر در محاصره ی اردوی دولتی بود ولیکن
راه های ورود به شهر مسدود و در اختیار نیروهای
استبداد قرار گرفته بود و این بود که او و یارانش به

قوای ملی پیوسته و در جرگه مدافعین تبریز و یاران
ستارخان درمی آیند.

سردار مجاهد یارمحمدخان و حسین خان امیربرق
بعد از آن که کرمانشاه را تصرف نمودند و از چنگال
مستبدین رهایی ساختند، در روزهایی که ملت
باشعارهای توفنده "یا مرگ یا استقلال" با آنچه را که در
توان داشتند به مقابله با دولت استعماری روس و
انگلیس برخاسته و در يك اقدام میهنی و انقلابی
علاءالدوله از مستبدین کرمانشاه این عنصر نامردمی و
وطن فروش را با شلیک چند گلوله از پای درآوردند.

احمدی کسروی در جای دیگر در کتاب تاریخ
انقلاب مشروطیت در ایران می نویسد: "روز هجدهم

صفر سال 1330 همه جا جنگ می رفت و

مجاهدین گام به گام به پیش می آمدند تا به همه

جای کرمانشاه دست یافتند و سالارالدوله با همراهان

خود از داود خان کلهر سردار مظفر و دیگران نایستاده

گریخت و بدین سان یار محمدخان با دسته ی اندکی

شهر کرمانشاه را بگشود.

یارمحمدخان مردی روستایی و ساده و پاك، دلاوری

صادق از قوم لك اینچنین در راه استقلال ایران عزیز

اسلامی جانش را فدا کرد، اما او هنوز گمنام است او

را به درستی، به حق و به واقع باید آغازگر سلسله

قیامهای مردمی و مظالم ستیزی دانست که هر از

چندگاه یکبار بر علیه انحراف دولت مردان مشروطه

از اصول مشروطیت راستین از قوه به فعل درمی آمد.

پس از سرکوب قیام سردار مجاهد یار محمدخان بود
که قیام های دیگری چون جنبش لاهوتی و افسران
ژاندارمری در دو مقطع زمانی، قیام سید حسین لاری
مقابله و نبرد عشایر قشقایی با انگلیسی ها در فارس،
قیام دلیران تنگستانی و دشتستان در جنوب، قیام
سردار جنگل، میرزا کوچک خان، قیام شیخ محمد
خیابانی، قیام کلنل محمدتقی خان پسیان و تشکیل
اردوی چریک کاوه به منصفه ظهور و بروز رسید و
چه حیف که اجاقهای این جنبش ها از لحاظ زمانی
و مکانی جدا جدا سوخت و جدا جدا خاموش شد.

دکتر مهدی ملک زاده در جای دیگر کتاب انقلاب

[telegram.me/lake1](https://t.me/lake1)

مشروطیت ایران می نویسد: www.nakam.com

"شب سیزدهم مهر ماه 1291 یار محمدخان با
مجاهدین وارد شهر کرمانشاه شدند و با رشادت بی
نظیری اکثر مناطق شهر را تصرف کردند و به طرف
ارگ دولتی شهر که فرمانفرما در آن مستقر بود حمله
بردند. فرمانفرما به دفاع پرداخت و تشویش در چند
نقطه شهر کرمانشاه که در تصرف داشتند بنای
تیراندازی را گذاردند، سردار مجاهد یار محمدخان
سربرهنه و کف بر لب بدون پروا و هراس از آتشی
که بر سرش می بارید با عده ای از یاران مجاهد لك
کرمانشاهی قدم به قدم به آتش مدافعین پاسخ داده و
به جلو می رفتند، همه چیز از يك پیروزی سریع

خبر می داد که به ناگاه از دریچه سقف بازار، سیاه
دلی کور باطن تیری بر سر آخرین سردار مجاهد
مشروطه شلیک نمود و آنچه را که تا لحظه ای پیش
حیات داشت و سودای رهایی میهن از بند به یک
باره به خاموشی کشانید.

نقشه ترور سردار از این قرار بود که یکی از یاران
مجاهد یارمحمدخان که در طرح نقشه عملیات
جنگی سران مجاهدین شرکت داشت فرمانفرمای
مستبد را از قصه نقشه و محل عبور سردار مجاهد
یارمحمدخان از بازار به داخل ارگ آگاه نموده و آن
والی سیاه روی عنصری از کوردلان مزدور خود را بر
بام بازار کلوچه پزی های شهر کرمانشاه با مقصودی

پلید و اهریمنی به نگهبانی گمارد تا در لحظه مناسب از دریچه سقف بازار قصد سوء خود را عملی سازد و در آن وقت که سردار مجاهد یارمحمدخان با عده ای از یاران به گفتگو پرداخته بود به دنبال شلیک اولین گلوله در دهان سردار که از پشت سرش بیرون آمد به حیات مردی بیدار و دلاور خاتمه داد.

دکتر علی اکبر نقی پور مؤلف کتاب یارمحمدخان سردار بزرگ مشروطه چنین می نویسد:

"یار محمدخان کرمانشاهی لك از آخرین سرداران فدایی مشروطیت ایران است، اکثر تاریخ نویسان او را فراموش کرده اند و کسانی که یادی از او کرده اند بسیار به اختصار به او پرداخته اند، بدین جهت

جایگاه او در انقلاب مشروطیت ایران درست مشخص
نیست و آن طور که باید و شاید حق فداکاری و
جانبازی او ادا نشده است.

مهندس کریم طاهرزاده در کتاب قیام آذربایجان در
انقلاب مشروطیت نیز چنین می نویسد:
"زنده یاد یار محمدخان و برادرش حسین خان دو
دلّاور از کرمانشاه رشادتهای فراوانی در دوران
مشروطیت از خود نشان دادند و نامشان در تاریخ
ایران ماندگار شد."

و اما روزنامه سعادت ایران چاپ دوشنبه 14 مرداد
1330 شمسی در شرح یارمحمدخان می نویسد: "درود
به شهدای راه آزادی شادوران سردار یار محمدخان
کرمانشاهی در شهر بلا دیده ما کرمانشاه مردان رشید
و شجاعی برای برافراشتن لوای مشروطیت مسلحانه
قیام کردند و مدتها با مخالفین آزادی مبارزه نمودند،
مرحوم یار محمد خان زردلانی سردار نامی کرمانشاهی
که همه چیز خود را فدای آنها می کرد و تا آخرین
نفس به جنگ علیه دشمنان حریت ادامه داد تا
بالاخره در خاک و خون خود غلطید و به شهادت
رسید (روزنامه سعادت ایران چاپ دوشنبه 14 مرداد

1330)" روحش شاد

کانال لکِیل / معرف فرهنگ و تمدن قوم بزرگ لك